

یادگارهای مزار شیخ احمد جامی

نگارش آقای مؤید ثابتی

شیخ احمد جامی معروف به زنده‌بیل از اکابر عرفا و در نزد متصوفین مخصوصاً سلسله نقشبندیه دارای مقامات بلندی است. تولدش در سنه ۴۰۰ و وفاتش در تاریخ ۵۳۶ هجری و این شعر حافظ در اظهار ارادت به شیخ مزبور است:

حافظ مرید جام جم است ای صابرو وز بنده بندگی برسان شیخ جام را
مقبره شیخ در سمت شمال قصه تربت جام در وسط محوطه بزرگ و باروچی در زیر آسمان قرار گرفته و درخت پسته کهن سالی بر قبر شیخ سایه می افکند و بقعه و بنائی در روی قبر ساخته نشده است ولی در سمت جنوب آن ایوان بلندی بریاست و مساجد و بقاع و مدارسی برور ایام احداث نموده اند که فعلاً اغلب آنها خراب و ویران است و بعد از خانقاهی که میگویند در زمان حیات شیخ بنا شده قدیمترین این ابنیه مسجدی است که در محاذات قبر شیخ است موسوم به کنبد سفید و از بنا های سلطان سنجر است و نیز بنای مدرسه را که در نزدیکی قبر شیخ بوده به امیر تیمور گور کان نسبت میدهند و شاه عباس کبیر نیز در جلوفضای مقبره شیخ باغ بزرگ و با صفائی احداث کرده که تقریباً بحال خود باقی است. معلوم نیست در چه تاریخی نزول يك صاعقه بدنه سمت شوقی ایوان کنبد سفید را از بالا تا پائین مثل يك جوی شکافته و بطور عجیبی بزمن فرو رفته است. این رباعی منسوب به شیخ احمد جامی است:

نه در مسجد گذارندم که رفتی میان مسجد و میخانه راهی است
نه در میخانه کاین خمار خام است غریب عاشقم آن ره کدام است
در دیوار مزار شیخ احمد مثل کلیه بقاع و ابنیه قدیمی مشحون است بانواع یادگارها و در حقیقت مجموع آنها جنگی را تشکیل میدهد که زائرین و مسافرین حتی الاکان با عبارات مؤثری نوشته و اصرار داشته اند که از خاطرات ساعات موقتی که در زیر این بقعه های بلند گذرانده اند اثری بگذارند.

نوشتن یادگاری بر دیوار يك نوع بی تربیتی است که غالباً در همه جا و بطور خاص در ایران معمول است. کمتر ایرانی پیدا میشود (البته از طبقه عوام) که يك دیوار صاف پاکی به بیند و بزرگواری نموده از کشیدن اشکال غیر متناسب یا نوشتن یادگار در روی آن صرف نظر نماید اشخاصی که به یازس رفته اند البته بخاطر دارند که حتی بدنه های اطاق آسانسور زج ایفل نیز ازین عادت دور از تربیت بی نصیب نمانده و با السنه مخزنه جای خالی از یادگار در آن باقی نگذاشته اند اما باز هم باید یقین داشت که غالب آن یادکارها عمل ایرانی است.

ولی در عین حال غالباً یادگارهایی که در این قبیل بقاع و ابنیه تاریخی مانند مسجد و مزار شیخ نوشته شده است در وجود خواننده خالی از تأثیری نیست. قدمت تاریخ این یادگاریها

و موقعیت ساکت و آرام در دور از مردم و طرز ساختمان این قسم بناها با ایوانهای بلند و بیوتات تاریک و بی سروصدائی که دارند در تاثیر جمله‌هاییکه برچدران آنها غالباً با عبارات صوفیانه نوشته شده کمک نموده و انسان را بعوالم روحانی و تصوف و وارستگی نزدیک میکند. مخصوصاً اگر این جملها با عبارات ساده و خض خوب تحریر شده باشد. یادگارهای مزار شیخ غالباً دارای این مزایاست و بیشتر آنها اشعار است عارفانه و دارای مضامین هندی که بعضی از آنها را که در دفتر خود یادداشت کرده ام عیناً نقل میکنم :

قدیمتر بن یادگار: یهائیکه که فعلاً در مزار شیخ مشاهده میشود خطی است از محمد همایون پادشاه هندوستان که بر روی محجر اطراف قبر شیخ که از مرمر است نوشته شده که با اینکه چنانچه ذکر شد در روی قبر شیخ بقعه و بنائی نیست و در زیر آسمان واقف شده این یادگاری که با مرکب بخط محمد همایون در روی محجر مرمر تحریر شده از برف و باران و سائیدن دست زائرین و مسافرن نقصی نیافته و کاملاً بحال خود باقی است .

تاریخچه این یادگاری تاریخی این است که در سنه ۹۵۱ که محمد همایون بن پادشاه که بعضی از بلاد هندوستان را متملك بود از شیرخان افغان شکست خورده و به شاه طهماسب پادشاه ایران پناهنده شد. شاه طهماسب مقدم او را با تجلیل زیاد پذیرفت و برای ورود او از سرحد ایران به سرحد داران و حکام و امرای عرض راه دستور هائی داد که در هر جا موکب او را با کمال احترام استقبال نمایند سواد فرمان و دستورالعمل های پذیرائی مشارالیه هنوز موجود و در بعضی از کتب مسطور است .

شاه طهماسب گذشته از اینکه نسبت باین شاه فراری هندوستان کمک های مادی و مساعدت های مالی و اظهار فتوهای زیادی کرد يك عده از سپاهیان خود را برای تسخیر ممالک از دست رفته مشارالیه با او به هندوستان فرستاد. در سنه ۹۶۲ هجری که محمد همایون کلیه ایالات قدر و حکمفرمائی خود را مستخلص گردانیده و به تخت سلطنت دهائی مستقر گردیده بود در شهر دهلی در حین تماشای بالای بامی بزمین افتاده در گذشت . این مصرع تاریخ فوت اوست . همایون پادشاه از بام افتاد . پسر او جلال الدین اکبر شاه که بعد از همایون جلوس کرد از سلاطین مقتدر و میرز هندوستان است و مدت پنجاه سال سلطنت او امتداد یافت .

چنانکه ذکر شد در تاریخ ۹۵۱ که همایون پادشاه برای استمداد از شاه طهماسب از راه هرات بایران آمد در موقع عبور از جام و زیارت مزار شیخ رباعی ذیل را بخط خود بر یکی از محجر های سمت جنوب قبر شیخ نوشته است :

ای رحمت تو عذر پذیر همه کس
درگاه و در تو قبله گاه همه خلق

سرگشته بادیه بی سرانجامی محمد همایون پادشاه هندوستان سنه ۹۵۱ .

اما بعضی از یادگارهای دیگری که در مسجد و مزار شیخ نوشته شده از این قرار است :

نوشتم بر درو دیوار هر دم ز غم عشقت
خوردیم بسی خون دل و دم نزدیک
هرگز نفسی شاد بعالم نزدیک
بی شعله آه لب زهم نگشودیم
که شاید بگذری روزی و یاد آری غریبان را
بی قطره اشک چشم بر هم نزدیک

نی کیست همدمی شده از خویشتن نهی
آزرده ئی که ناله جانسوز میکند

چون سالکان زسیر مقامانش آگهی
هر جا ز پای تاسرش انگشت مینهی
سنه ۱۱۲۹

یارب ز شراب شوق یک جامم بخش
هر چند گناه کارم ای بار خدا

وز طاعت و بندگی سرانجامم بخش
آزادکن و به احمد جامم بخش
فی سنه ۱۱۱۳

روزی که روح دامن عمرم رها کند
یارب نگاهدار تو ایمان آن کسی

وین خاک تیره بند ز بندم جدا کند
کاین خطمن بخوی اندویر من دعا کند

چو از غوریان بادل دردناک
بزاری بسیار و عجز تمام
که ای مجرم بارگاه اله
همه دردم اینجا دوخواهمت

رسیدم باین فیض آثار خاک
زدم دست بردامن شیخ جام
به عقد ره آموز مردان راه
مس آورده ام کیمیا خواهمت
حرره اسمعیل بن ابوالکرام انصاری سنه ۱۰۶۴

داد ازستم فرگس بی می مستش

وز زلف پریشان بلند و پستش

ز احمد تا احد یک میم فرق است

جهانی اندرین یک میم غرق است

آنانکه جمال غیب دیدند همه
یک حرف زمدعی نگفتند بکسی

رفتنند و بعیش آر میدند همه
تا آنکه بمدعی رسیدند همه
اقل خاق الله درویش محمد بن محمد شریف اردلان سنه ۱۰۸۱

سویت از دیر دیر میایم
حیف میایدم که تیره شود

تبود این ز قدر و پایه من
آستان درت ز سایه من

سوالی کردم از قاضی اسلام
که عاشق لعل جان افزای معشوق
چو بشنید این سخن قاضی بفرمود
بشرع عشق بر معشوق فرض است

که این معنی بجز وی کسی نداند
به شرع عشق بوسیدن تواند؟
که سائل در سخن درمی چکاند
که عاشق را بکام دل رساند

هرگز دل شکسته ماشادمان نبود

جور تو بود اگر ستم آسمان نبود

۱ - این تاریخ محمد شاه قاجار حکمران خراسان بود و از طرف پدرش عباس میرزا
ایک عده سپاه مامور هرات شده بود.